



## بررسی انتقادی عوامل یا خلاءهای قانونی زمینه‌ساز خشونت علیه کودک در خانواده (جواز ازدواج زود هنگام)

رضوان پیریایی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی و وکیل پایه یک دادگستری، تهران، ایران

حجت‌اله غمنیری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

جستار پیش‌رو، با عنوان: «بررسی عوامل یا خلاءهای قانونی زمینه‌ساز خشونت علیه کودک در خانواده»، در پی آن بوده است تا با روش تحلیلی - توصیفی، یکی از عوامل این خشونت که عبارت است از: «جواز ازدواج زود هنگام»، مورد نقد قرار داده و با استناد به پیامدهای منفی‌ای که این مسأله بر سلامت جسم و روح کودک می‌تواند داشته باشد و نیز پیامدهای ناگوار آن بر جامعه، قانونگذار را وادار به تأمل و بازنگری در این «جواز» نماید. بنا به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران (مصوب ۱۳۱۳): «نکاح انثا قبل از رسیدن به سن ۱۵ و ذکور قبل از ۱۸ ممنوع شده است. با این حال، در مواردی که مصالحی اقتضا کند (با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب دادگاه)، استثنا معافیت از شرط سن اعطا می‌شود...». این ماده، در سال ۱۳۶۱ به صورت آزمایش به این شرح اصلاح گردید: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است»، لیکن در تبصره‌ای اعلام می‌دارد: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی (سرپرست) صحیح است، به شرط مصلحت مولی علیه!» همچنان که ملاحظه می‌شود تبصره فوق‌الذکر دست قانونگیر خانگی (والدین یا سرپرست) را در اعمال خشونت علیه کودک باز گذاشته و به او این امکان را داده تا تحت تأثیر عواملی چون: فقر و تنگدستی، اعتیاد و ... کودک را نابهنگام به ازدواج درآورد و سلامت روحی و احیاناً جسمی وی را در معرض خطر جدی قرار دهد که چنانچه این تبصره حذف شود، خشونت یاد شده تا اندازه قابل توجهی برطرف خواهد گردید.

واژگان کلیدی: نقد، قانون حمایت از خانواده، خشونت خانگی، کودک، جواز ازدواج زود هنگام.

## مقدمه

اگر چه «انسان» فی‌نفسه دارای کرامت بوده و بایستی - طبق قوانین و مقررات جامعه جهانی و نیز آموزه‌های اخلاقی همه ادیان و مذاهب - پاس داشته شود، لیکن «کودک» به واسطه آسیب‌پذیر بودن نیاز به توجه و مراقبت بیش‌تر داشته و لازم است با قوانین ویژه از او حفاظت و حمایت کرد. آنچه وجود «قوانین و حقوق ویژه» را برای کودک و نوجوان ضروری‌تر نشان می‌دهد آن است که کودکان به همان دلیل که ذکر شد (آسیب‌پذیری)، بیش‌تر در معرض آزار و اذیت دیگران (خویش و بیگانه) قرار داشته و امکان پایمال شدن حقوق آن‌ها وجود داشته و دارد. از همین رو قانونگذاران برای مسأله «کودک آزاری» قوانینی وضع کرده که برای سنین دیگر این قوانین مصداق «سالیه به انتفاع موضوع» را پیدا می‌کند.

از دیگر سو باید دانست که گاهی اوقات برخی عوامل که کودک آزاری را باعث می‌شود، ضعف و نارسایی یا خلاء قانون است. به این معنا که قانونگذار در اثر غفلت یا ناآگاهی باعث وضع یا حذف قانونی شده است که به موجب آن حقوق کودک پایمال یا نادیده انگاشته می‌شود. مثلاً در کشور ما (ایران) گاهی قوانین نه تنها موافق موازین بین‌المللی نیست بلکه با مصالح عالی‌ه کودک و «اخلاق حقوقی» نیز در تعارض بوده و یا زمینه را برای تضییع حقوق وی فراهم کرده است. البته گاه نیز وجود ابهامات در قانون برانگیزاننده خشونت علیه کودک بوده که لازم است در هر دو زمینه اقدام شده و قوانین کارآمدتر شوند.

بر همین اساس پژوهش پیش‌رو با طرح این موضوع یعنی: عوامل یا خلاءهای قانونی، که منجر به خشونت علیه کودک در کشور شده، مورد مطالعه قرار داده و گزاره‌های قانونی مربوط به یکی از این عوامل یعنی: «جواز ازدواج زودهنگام؛ بنا به خواست ولی یا سرپرست» را به نقد بنشیند و بنابر پیامدهای منفی بسیاری که «این جواز» به وجود آورده است، قانونگذار را در اصلاح قانون به تأمل و اقدام وادارد.

## بحث و بررسی

عقد نکاح که پیوند دهنده اشخاص به همدیگر است، به خلاف عقود که مالی قلمداد می‌شوند، نیازمند آن است که طرفین از وضعیت جسمانی و روحی و روانی مناسب برخوردار باشند. بنابراین، ملحق نمودن فردی به روابط زناشویی، بدون اینکه چنین آمادگی در وی به وجود آمده باشد، آثار نامطلوب فراوانی، برای خود فرد و حتی جامعه به وجود می‌آورد. بر همین اساس است که در حقوق امروزی، (عموم نظام های حقوقی دنیا)، برای ازدواج حداقل سنی را تعیین کرده‌اند و برای تخلف از آن، ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده‌اند (حیاتی، ۱۳۹۳: ۸۴).

یکی از مواردی که در مسیر قانونگذاری دچار تحولات گوناگونی شده است، بحث «اختبار قابلیت صحتی یا سن بلوغ برای عقد نکاح» است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی سابقاً اشعار داشته بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است».

از این رو، در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است «شرط معافیت از سن» اعطا شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به اناثی داده شود که کمتر ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند. یعنی پایه اعطای معافیت برای اناث ۱۳ سال و ذکور ۱۵ سال در نظر گرفته شده بود اما مصالح موردنظر، «مصالح اجتماعی» بود، همانند آن که وضعیت اقتصادی ایجاب کند که دختری ازدواج نماید و یا اگر رابطه نامشروع به وقوع پیوسته قبل از آن که حیثیت اجتماعی خانواده های درگیر بهم بریزد، دادگاه با اعطای «معافیت»، سعی در جلوگیری از وضعیت ناگوار نماید. البته گاهی به همین مصالح اجتماعی موضوع ختم نمی‌شود گاه «مصالح پزشکی» نیز ممکن بود پایه این مصلحت قرار بگیرد و وضعیت روحی و مزاجی دختر یا پسر اقتضا می‌کرد زودتر ازدواج نمایند. به عبارت جامع تر، منظور از مصلحت مورد نظر قانونگذار جسمی، مالی و معنوی است. یعنی قابلیت لازم از جنبه های یاد شده برای ازدواج، بنا به رویه قضایی صرفاً به استعداد جسمانی توجه می‌کرد و به دیگر جنبه های مادی و معنوی تا حدودی بی‌اعتنا بود. به همین سبب رواج ازدواج در بین جوانان کم سن و سال باعث شد که بعد ها آمار طلاق به علت بی‌تجربگی برای اداره و پیش برد زندگی بالا رود (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۷. به نقل از: مرادی‌فر، ۱۳۸۹: ۳۵).

در بسیاری از جوامع تصمیم گیری در مورد ازدواج یا رابطه دائمی میان دونفر- در مورد دختران معمولاً بلافاصله پس از بلوغ - توسط والدین و بزرگترها انجام می‌شود. بعضی اوقات این رابطه ها به کودکان، به ویژه دختران، تحمیل می‌شود و به ازدواج زودرس منجر می‌گردد.

با اینکه در میان توجیهاتی که برای این کار ذکر می‌شود، می‌توان به حفظ حیثیت خانواده و پاکی دختر اشاره کرد، عوامل اقتصادی نیز در این میان نقش دارند. دختران ممکن است به عنوان سربار اقتصادی در خانواده های فقیر تلقی شوند؛ میزان پولی که از طرف خانواده دختر به خانواده پسر (به صورت جهیزیه) پرداخت می‌شود معمولاً کم است و میزان پولی که برای دختران جوان پرداخت می‌گردد بالاتر است؛ ممکن است ازدواج اجباری دختران جوان برای تامین آینده اقتصادی خود دختر و خانواده وی انجام شود (پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۵۹).

ازدواج اجباری و ازدواج صغار عرف یا سنت صدمه‌آمیز دیگری است که در اسناد بین المللی ذیل موضوع خشونت خانگی به آن اشاره شده است. نظام حقوقی کشورها باید در خصوص ازدواج اجباری به هر نوع ازدواجی که بدون اختیار و رضایت کامل طرفین صورت گیرد، اطلاق گردد (ابولحسنی، ۱۳۹۶: ۱۰۹). در قرآن کریم هیچ آیه صریحی درباره منع یا عدم منع ازدواج در سن پایین دیده نمی‌شود. پس به نظر می‌رسد که اسلام این رسم را نمی‌پذیرد و اگر چه ما هیچ زمان مشخصی را برای ازدواج نمی‌یابیم ولی معیار ثابتی وجود دارد که عبارت است از «رشد یافتگی». حقیقت این است که رسم هایی که درباره ازدواج در سن پایین باب شده اند چیزی جز عرف و عادت نیستند و خارج از شریعت و عبادت اند، و محدود به جامعه اسلامی هم نیستند بلکه به جوامع دیگر نیز راه یافته اند.

### سابقه قانونگذاری در خصوص ازدواج زودهنگام

ماده ۱۰۴۱ مصوب ۱۳۱۳ مقرر داشته بود: «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کم‌تر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کم‌تر از ۱۵ سال تمام دارند.»

در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بصورت آزمایشی بدین شرح اصلاح گردید: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.» تبصره - عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه. (که در این اصلاحیه آزمایشی تصوب محکمه و اجازه دادستان حذف شده بود). که در نهایت ماده ۱۰۴۱ اصلاحی ۱۳۸۱ بیان می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از سن ۱۳ سال، و پسر قبل از ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه.»

ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳ سن ازدواج را افزایش داده بود؛ برای دختر ۱۸ سال و برای پسر ۲۰. البته با دو شرط یعنی: پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه امکان ازدواج در سنین پایین‌تر نیز وجود داشت، اما در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ در ماده ۵۰ مقرر گردیده است: «هرگاه مردی برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود و هرگاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زوجه منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه پنج و اگر به موقعه منتهی به فوت زن منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره - هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسوول نگه داری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع این ماده تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند. این حکم در مورد عاقد نیز مقرر است.»

باری، با وجود جرم‌انگاری در خصوص «ازدواج با کودک» باز هم خلأ قانونی در این خصوص رفع نگردید، زیرا در نهایت این ماده تخلف از موارد مندرج در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را جرم انگاری نموده است و در نتیجه در غایت امر تأثیری ندارد زیرا ماده ۱۰۴۱ که - با شرایطی - جواز نکاح زودهنگام را مجاز می‌شمرد پایه و اساس ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بوده و همان بحث اصلی با برجاست.

## ازدواج زودهنگام در اسناد بین المللی

یکی از اصول بنیادین کنوانسیون یعنی «اصل احترام به عقاید کودک» یکی از اصول چهارگانه‌ای است که اساس کنوانسیون حقوق کودک را تشکیل می‌دهد. این اصل در بند ۱ ماده‌ی ۱۲ کنوانسیون بدین شرح مقرر شده است: «دولت‌های عضو برای کودک قادر به تشخیص حق ابراز آزادانه‌ی عقیده‌ی خود درباره‌ی تمام امور مربوط به خودش را تضمین می‌کنند.» برخلاف برخی تحلیل‌های انتقادی که «حقوق بشر» را نظامی مبتنی بر فردگرایی محض و بی اعتنا به پیوندها و مسئولیت‌های اجتماعی می‌داند، این نظام بین المللی با همه‌ی تکیه‌ای که بر استقلال و تشخیص فرد دارد به هیچ وجه از ضرورت «تقویت پیوندهای اجتماعی و تحکیم احساس مسئولیت جمعی» فارغ نیست.

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی و مساعدترین محیط رشد و توسعه شخصیت فرد، در اعلامیه جهانی و دیگر اسناد راجع به حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته است و دولت‌های جهان ملزم به حفظ و حمایت از این نهاد و تقویت آن در ابعاد مختلف شده‌اند. یکی از ابعاد حمایت از نهاد خانواده در اسناد بین المللی، توسعه آگاهی و تقویت احساس مسئولیت طرفین عقد ازدواج (به عنوان تشکیل دهندگان خانواده) از چنین کارکردهایی است. کارکردهای مثبتی که پیش از این برای خانواده برشمرده شد هنگامی جامه عمل در برخواهد کرد که طرفین عقد ازدواج یا تشکیل دهندگان خانواده از چنین کارکردهایی آگاه باشند و در برابر آن‌ها احساس امنیت کنند. چنین است که ماده ۱۷ برنامه اجرایی برای اعلامیه جهانی بقاء، رشد و حمایت از کودکان در دهه ۱۹۹۰ به تصریح مقرر داشته که: کلیه زوج‌ها باید از اطلاعات مربوط به تنظیم مسئولانه خانواده آگاه باشند. نتایج ناصواب ناآگاهی از شرایط و ضوابط تشکیل و بقای یک خانواده سالم یا عدم احساس مسئولیت در برابر آن، امری نیست که اثبات آن محتاج به اندیشه و استدلال باشد (امیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۹).

در پیمان‌نامه منع و رفع انواع تبعیض علیه زنان هم آمده است که: ازدواج یک کودک باید شکل قانونی داشته باشد و کلیه اقدامات مقتضی از جمله قانون گذاری باید برای تعیین حداقل سن قانونی ازدواج اتخاذ شود. کمیته منع و رفع تبعیض علیه زنان در پیشنهادات عمومی خود در سال ۱۹۹۴ در زمینه برابری و روابط خانوادگی پیشنهاد کرده است که حداقل سن قانونی ازدواج نیز، برای دختران و پسران، باید ۱۸ سال تعیین شود. کمیته حقوق کودک نیز به نوعی این پیشنهاد را تکرار کرده است و مکرراً به کشورها پیشنهاد کرده است که سن قانونی ازدواج باید افزایش یابد و در همه جا یکسان باشد. با همه این تفاسیر اسناد بین‌المللی مرتبط با این مسأله، سن مشخصی را به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین نکرده‌اند. نمونه‌ی بارز این خلأ کنوانسیون ملل متحد راجع به رضایت ازدواج حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج مصوب ۷ نوامبر ۱۹۶۲ میلادی است. هر چند در مقررات این کنوانسیون بر سه اصل اساسی حقوقی ازدواج یعنی: «وجود رضایت، قصد و رضای طرفین برای انعقاد نکاح»، «تعیین حداقل سن ازدواج در قانون» و «لزوم ثبت رسمی آن» تأکید شده است، اما سن معینی به عنوان حداقل سن مجاز برای ازدواج تعیین نشده است. بدین خاطر نمی‌توان کنوانسیون مزبور را مانعی کارساز در برابر وقوع ازدواج‌های زودهنگام قلمداد کرد.

## زمینه‌های وقوع ازدواج زودهنگام

جواز ازدواج زودهنگام، یکی از عوامل قانونی است که می‌تواند زمینه ایجاد خشونت‌های جسمی و جنسی و روانی را برای کودکان ایجاد نماید و مخصوصاً نتایج این خشونت‌ها در دخترانی که زوج ازدواج می‌نمایند مشهودتر است، زیرا طبیعت دختر آسیب پذیرتر از پسران می‌باشد. بنابراین ضروری است عواملی که می‌تواند منجر به این گونه ازدواج‌ها شود بررسی گردد. در میان عواملی که می‌تواند زمینه ازدواج زودهنگام را فراهم نماید، به نظر می‌رسد عواملی چون: فقر اقتصادی، آداب و رسوم و پیشگیری از روابط خارج از نکاح در صدر سایر عوامل احتمالی قرار دارند.

## الف) فقر اقتصادی

همبستگی شدیدی بین «فقر» و «ازدواج زودهنگام» وجود دارد. احتمال ازدواج در سنین پایین میان زنان جوان فقیر بیشتر است. از نظر خانواده های فقیر وجود یک دختر جوان بار مالی است بر دوش خانواده و ازدواج او یک روش ضروری به شمار می رود. ازدواج از نظر این خانواده ها به معنای حمایت از دخترشان در قبال حمله جنسی، یا فراهم آمدن سرپرست و مراقبت مردانه است. ازدواج زودهنگام همچنین روشی است برای اجتناب از بارداری دختران خارج از پیوند زناشویی. (اودانل: بی تا، ۹۸)

## ب) آداب و رسوم و عادت های فرهنگی و مذهبی

ازدواج کودکان، ازدواجهای از پیش تعیین شده یا تحمیلی و بارداری در سنین نوجوانی مسائلی هستند که در ارتباط با یکدیگرند. هر ازدواجی باید با رضایت کامل و آزادانه طرفین انجام شود. ازدواجی که خارج از رعایت این اصل صورت بگیرد بمثابة بردگی و نقض حقوق طرفین است، چه زن چه مرد و در هر سنی که باشند. هیچ فردی نمی تواند پدرستی رضایت خود را برای انجام ازدواج اعلام کند، مگر آن که به آن اندازه از بلوغ رسیده باشد که بتواند پیامدهای تعهدی را که می پذیرد بطور کامل درک کرده و قادر باشد فشارهای نابجا را در تصمیم خود نادیده بگیرد. با وجود آنکه ازدواجهای پیش از بلوغ که بر نوجوانان برخلاف میلشان تحمیل می شود مسئله ای حاد است، در واقع ازدواج افرادی که زیر حداقل سن تعیین شده توسط قانون صورت می گیرد، ازدواجی عاری از رضایت است. اکثر افرادی را که پیش از بلوغ ازدواج می کنند دختران تشکیل می دهند. اینگونه ازدواجها بیشتر در جوامعی رایج است که تابع بودن زنان و کودکان جزو ارزشهای سنتی آن است. (اودانل: بی تا، ۹۷). این امر در واقع فشار سنت محسوب می شود و اگر ازدواج اتفاق نیفتد ممکن است، این خانواده به سنت شکنی متهم و مورد تمسخر اطرافیان قرار بگیرند. این خانواده ها عرف را بر قوانین ملی حاکم می دانند و خود را ملزم به انجام این رسوم می دانند.

## ج) پیشگیری از روابط جنسی خارج از رابطه زناشویی

در برخی موارد، به طور سنتی ازدواج کودکان بر اساس این باور انجام می شود که عاملی در کنترل رفتار جنسی و باروری دختران است، زیرا عقاید فرهنگی و مذهبی در حفظ باکره بودن و عفت و پاکدامنی دختران به طور مستقیم مرتبط با وضعیت و ناموس خانواده است و نفوذ زیادی بر والدین در امر ازدواج فرزندانشان ایفا می کند، لیکن برای حفظ آبروی خانواده و کاهش خطر فعالیت جنسی نادرست، در جوامع روستایی با شروع اولین دوره عادت ماهیانه، دختران از رفتن به مدرسه منع می شوند تا با محدود کردن حرکاتشان، فعالیت جنسیشان حفظ و کنترل شود، بدینسان معتقدند که آموزش در درازمدت می تواند بر نقش آنها به عنوان همسر و مادر آینده اثر منفی بگذارد. (مقدادی، ۱۳۹۶: ۴۲)

## آثار ازدواج زودهنگام

در این بخش به آثار سوئی که ازدواج زودهنگام می تواند در سلامت کودک داشته باشد پرداخته می شود:

## الف) مغایرت با اصل آزادی در ازدواج

آزادی، یکی از اصول اساسی و مبنایی قواعد بین المللی در حوزه حقوق بشر - به ویژه حقوق مدنی سیاسی - است. آزادی در مفهوم موسع همان قدرت اندیشیدن یا انجام عملی توسط فرد بر اساس اراده و خواست خودش اطلاق می شود. و در پاسخ به این پرسش که «آزادی چیست؟» دو مفهوم از آزادی ارائه می شود: مفهوم منفی و مفهوم مثبت.

مفهوم منفی، بدین معناست که مانعی بر سر راه شخص در انجام امری وجود ندارد و این، همان مفهوم سلبی آزادی به معنی «عدم مانع» است. بدین ترتیب حوزه ای برای فرد فراهم می شود که در آن، فرد بنابر اختیار و باور خود عمل می کند و بر سرنوشت خویش حاکم است. در این راستا، تأمین آزادی از جانب حکومت تا مرز این انتخاب پیش می رود و مابقی به فرد واگذار می شود.

در مقابل، مفهومی مثبت از آزادی نیز ارائه شده که صرف نبودن موانع را آزادی تلقی نمی کند بلکه توانایی اعمال آن را نیز مد نظر دارد. در این مفهوم، می توان انسان یا انسان هایی را فرض نمود که علی رغم اعطای ظاهری آزادی، قدرت یا شرایط استفاده از آن را ندارند. (غدیری، ۱۳۹۳: ۳۰)

در اسناد بین المللی مختلف، بر رضایت کامل داشتن و آگاهانه بودن ازدواج تأکید دارند از جمله بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر کرده است که: «ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود». مشابه این مفاد، در بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ نیز تکرار شده است. در بند ۳ ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ نیز همین مقرر مورد اشعار قرار گرفته است.

باید افزود که سازمان ملل متحد در ۴ نوامبر ۱۹۹۶، در راستای مقابله با رسم ناپسند ازدواج با کودکان، «پیمان نامه مربوط به رضایت در ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج» را در ۱۵ ماده به تصویب رسانید. در مقدمه این پیمان نامه آمده که: «... دولت ها باید ازدواج کودکان و نامزدی دختران خردسال قبل از بلوغ را کاملاً ملغی سازند و در صورت لزوم، مجازات های مقتضی در نظر گیرند ...» مطابق ماده ۲ (فروتن، ۱۳۹۴: ۱۶۶) ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است: «هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می باشند؛ زیرا ازدواج، پیوندی است که اراده طرفین در آن دخیل است. نامزدی و ازدواج فرزند، به معنای نادیده گرفتن اراده و قصد اوست (همان: ۱۶۷) و این امر مخالف حق فرد بر سرنوشت خویش است و اگر کودک را از حق تعیین سرنوشت محروم کنیم، برای آن است که او قادر باشد این حق را در بزرگسالی اعمال نماید. به سخن دیگر کودک تنها هنگامی به حق تعیین سرنوشت خود دست خواهد یافت که امروز او را از داشتن این حق محروم کنیم. (عابدخراسانی، ۱۳۸۷: ۴۸).

ازدواج اجباری، ازدواج بدون رضایت یا برخلاف میل یکی از طرفین یا هر دوی آنهاست. سازمان ملل متحد چنین ازدواجی را به جهت نقض اصل آزادی و استقلال فردی نوعی سوء استفاده حقوق بشری تلقی نموده و بنابراین در چندین سند حقوق بشری از جمله: اعلامیه حقوق بشر، عهدنامه القای بردگی، میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی، عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان و عهدنامه حقوق کودک، به ازدواج آگاهانه و با رضایت کامل اشاره شده است و حتی یک معاهده بین المللی با عنوان «عهدنامه مربوط به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج ها» در ۱۹۶۲ به تصویب رسید که حاکی از دغدغه جامعه بین المللی در این خصوص می باشد (غدیری، ۱۳۹۳: ۵۳).

یکی از مصادیق استثمار کودکان وادار ساختن آنان به ازدواج های اجباری است. در این باره در سطح بین المللی، کنوانسیون رضایت به ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها مصوب ۱۹۶۲، که از ۹ دسامبر ۱۹۶۴ لازم الاجرا گشت، مقرر می دارد: بدون رضایت آزادانه طرفین هیچ ازدواجی نباید صورت بگیرد. چنین رضایتی باید شخصاً و علناً در برابر مقام مسئول، به موجب قانون ملی، ابراز شود. دولت های عضو باید قوانین ملی خود را درباره تعیین حداقل سن ازدواج به طور هماهنگ وضع نمایند. علاوه بر این ها، کلیه ازدواج ها باید به ثبت برسد. (عابدخراسانی، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

علاوه بر این، ازدواج زود هنگام در ذات خود یکی از شرایط ازدواج شرعی را از نظر می اندازد و آن شرط «قبول» است که ازدواج باید متکی به رضایت هر دو طرف باشد و از این رو، خود نیز احتمال رد شدن را - در صورت عملی نشدن شرط قبول - داراست. در نمونه ازدواج کودکان این شرط کمتر عملی می شود. بنابراین، شرط ازدواج جز با تبعیت از آنچه در دین آمده است یعنی رسیدن به رشد، محقق نمی شود.

## ب) زمینه ساز آزارهای جسمی و جنسی

قانونگذار با توجه به اهمیت ازدواج و آثار فردی و اجتماعی آن و زیان ازدواج خردسالان، برای سلامت جسمی و روحی زوجین، فرزندان ناشی از ازدواج، و با عنایت به این که ازدواج در جامعه امروز یک امر شخصی تلقی می شود که خود شخص باید درباره آن تصمیم بگیرد و

طفل خردسال نمی تواند تصمیم و اراده واقعی و جدی داشته باشد، ازدواج در سنین پایین را به مصلحت ندانسته بود. قبل از اصلاح ماده ۱۰۴۱ حداقل سن ازدواج برای دختر ۱۵ سال تمام شمسی و برا پسر ۱۸ سال تمام شمسی بود. با وجود این در موارد کاملاً استثنایی، با توجه به بلوغ جسمی و جنسی دختر و پسر و در صورت مصلحت، به دخترانی که به ۱۳ سال تمام و پسرانی که به ۱۵ سال تمام می رسیدند اجازه داده شده بود که به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه ازدواج کنند. این معافیت از شرط سن می بایست بنابر مصالح جسمی یا روانی یا حیثیتی دختر اعطا شود، هر چند گاهی این مصالح منظور نمی گردید. (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۷۱).

فقدان حداقل سن قانونی برای قبول آگاهانه و داوطلبانه مقاربت جنسی و همچنین قبول ازدواج در برخی کشورها می تواند زمینه ساز قرار گرفتن کودکان در معرض خطر خشونت از سوی شریک زندگی باشد. تعداد زیادی از این دختران در سنین بسیار پایین تر ازدواج می کنند که اغلب با اعمال فشار و زورگویی به این کار تن می دهند و تا حد زیادی در معرض خطر خشونت، از جمله الزام به مقاربت جنسی، قرار می گیرند. ازدواج زود هنگام از دیگر سو می تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تاثیر قرار دهد و منجر به بیماری های جسمی، روحی و روانی، افزایش حاملگی و زایمان زودرس و... شود. از این رو ارتقای آگاهی ها و پیش بینی تکالیف و تعیین مجازات مناسب، چنین پدیده ای را محدود ساخته است و امکان بروز چنین پیامد ناگواری را کاهش می دهد. (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴)

طبق یافته های پزشکی جدید، به نحوی که جای هیچ گونه شکی در آن نیست، پیامدها و اثار منفی فراوان ازدواج زود هنگام به حدی است که نباید آن را نادیده یا دست کم گرفت. از لحاظ پزشکی، بارداری های پیاپی و شیردهی پیش از کامل شدن رشد جسمانی دختر و بدون آنکه وقفه ای برای استراحت و بازگشت به وضعیت غذایی لازم برای رشد و بارداری و شیردهی پیش آید، به سوء تغذیه مادر می انجامد. همچنین آمار مرگ و میر در میان مادران کم سن و سال بالا می رود و میزان به دنیا آمدن کودکان نارس نیز افزایش می یابد. این، افزون بر بیماری هایی است که گریبانگیر مادر کم سن در ناحیه دستگاه های تناسلی و ادراری خواهد شد. یک دختر باید برای زناشویی و نزدیکی از رشد فیزیولوژیکی و زیستی کافی برخوردار باشد، یعنی اندام و اعضای جنسی او از توانایی و قابلیت کافی برخوردار باشد و برای بارداری احتمالی و زایمان و تبعات ناشی از آن آمادگی داشته باشد و از لحاظ روحی نیز قادر به درک و تحلیل تغییرات مزبور و آثار و عوارض ناشی از آن باشد (مظفری، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۱۵۱).

### ج) مغایرت با اصل مصالح عالیه کودک

مصالح عالیه کودک، بر این دلالت دارد که وقتی گزینه های متعددی در خصوص رفاه و نیازهای کودک وجود داشته باشد، تنها متناسب ترین وضعیت برای رشد کودک باید مد نظر قرار گیرد. یکی از مشکلاتی که در تشخیص مصالح عالیه کودک وجود دارد، عدم ارائه تعریف و معیارهای عینی برای تشخیص این مصالح است که موجب تفاسیر متفاوت از این مفهوم در فرهنگ های مختلف می شود. اینکه مصالح آتی یا جاری کودک باید مد نظر قرار گیرد، ارتباط این مصالح با حقوق کودک چیست و آیا انطباق کامل با حقوق کودک دارد یا مفهومی فراتر از این حقوق است که می توان در پرتو آن حتی حقوقی مثل «شنیدن نظر کودک» را نادیده گرفت؟ (غدیری، ۱۳۹۳: ۱۰۲) ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مقرر داشته است که: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه»، حال سؤالی که به ذهن متبادر می شود این است که آیا حتماً وجود مصلحت لازم است، یا اینکه همین که صرفاً مفسده ای در بین نباشد می توان کودک را تزویج نمود؟ قانون مدنی، نکاح صغار را منع نکرده و آن را در شرایطی به ولی قهری سپرده است. در رابطه با تزویج صغار این پرسش قابل طرح است که: اگر پس از بلوغ، صغیر یا صغیره به عقدی که توسط ولی او، در زمان صغر جاری شده است راضی نباشد، حق دارد فسخ کند یا خیر؟ قانون مدنی در این مورد ساکت است (پورعبدالله، ۱۳۹۵: ۲۷۶) و صرفاً با قید عبارت «به شرط رعایت مصلحت طفل» اکتفا نموده است و مشخص نیست که منظور از این عبارت، لزوماً وجود مصلحت طفل باشد یا همین که مفسده ای را دور کند کافی است؟ در نهایت قانون مدنی این مساله را مبهم گذاشته است!

فقها نیز در این خصوص نظرات یکسانی ندارد. برخی بر این نظرند که: اگر پدر یا جد پدری دختر را تزویج کند دختر بعد از بلوغ و رشد اختیار ندارد. (طبایطایی حکیم، ۱۳۷۴: ۴۵۳) و برخی نیز: در صورتی که مصلحت صغیر رعایت نشده باشد عقد را از طرف صغیر قابل فسخ می دانند در غیر این صورت قابل فسخ نمی دانند. (همان)

اما به طور قطع، ازدواج زود هنگام آثار زیانباری بر سلامت جسمانی و روانی، تحصیلات و سایر حقوق کودک (به ویژه خطرات بسیاری برای سلامت وی به عنوان مادر) در پی خواهد داشت؛ از جمله می توان به: احتمال بالای مرگ در زمان بارداری یا وضع حمل و یا خطر بروز بیماری های واگیردار جنسی اشاره نمود. پیامدهایی همچون: خشونت در خانواده و سوء استفاده جنسی، انزوای اجتماعی و مشکلات بهداشت و روان نیز از دیگر عواقب ناگوار این قبیل ازدواج ها محسوب می شوند. بنابراین روشن است که اختیار دولت ها در تعیین سن ازدواج باید بنابر مصلحت کودک اعمال شود.

همچنین، نفوذ ازدواج صغیر مشروط به این است که اقدام ولی به مصلحت کودک باشد؛ به بار نیامدن مفسدت کافی نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۴۱) اما این که ملاک مصلحت و بهترین مصلحت کودک چیست؟ سؤال دیگری است که مطرح می شود زیرا ازدواج زود هنگام آثار منفی فراوانی بر جای می گذارد که همگی مخالف اصل منافع یا مصالح عالییه کودک هستند.

#### د) از بین رفتن فرصت تحصیل

از دیگر سو، ازدواج زودرس دختران، عواقب و آثار منفی بسیاری بر سلامتی، رشد و حقوق آنها برجای می گذارد. این ازدواج ها اغلب فرصت آموزش و تحصیل را از آنها می گیرد و باعث می شود از نظر اجتماعی به نوعی منزوی شوند. باور بر این است که همسران جوان به رابطه جنسی با شوهران خود رضایت داده اند و در سنین پایین قبل از اینکه آمادگی جسمی لازم را داشته باشند باردار می شوند. دختران جوان با میزان بالاتری از مشکلات در وضع حمل رو به رو هستند و میزان مرگ و میر آنها به همین علت بالاتر است. همین مساله در مورد ازدواج کودکان نیز صادق است (پینه‌رو، ۱۳۸۷: ۵۹)

ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زود هنگام باشد، آنان را از ویژگی های شخصیتی ای که به رشد خود و در نتیجه به رشد جامعه کمک می کند، باز می دارد. همچنین این کاستی ها باعث تحمیل هزینه های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره‌وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی می شود. (مقدادی، ۱۳۹۶: ۴۵).

بر این اساس شایان ذکر است که پیشرفت هر جامعه ای از جنبه های مختلف: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به تربیت و آموزش افراد آن جامعه از دوران کودکی به ویژه از سنین پایین، بستگی دارد، ولی ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زود هنگام باشد، آنان را از ویژگی های شخصیتی ای که به رشد خود و در نتیجه به رشد جامعه کمک می کند، باز می دارد. همچنین این کاستی ها باعث تحمیل هزینه های سنگین، به دلیل از دست دادن توان افزایش بهره‌وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی، می شود (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶: ۴۴).

در نهایت قانونگذار با تصویب ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده، در صدد لحاظ نمودن ضمانت اجرای کیفری مناسبی برای ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی برآمده است، این ماده عنوان می نماید: «هر گاه مردی بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. هر گاه ازدواج مذکور به موقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می شود».

گرچه جرم انگاری ماده تا حدودی می تواند به بهبود اوضاع ازدواج کودکان کمک کند، اما در حالتی که ازدواج اتفاق افتاده و موقعه هم رخ داده باشد باعث مرض دائمی برای دختر گردد، مجازات مرد خاطی و پرداخت دیه و حبس کمک شایانی به بهبود اوضاع زوجه نمی نماید و عملاً ادامه زندگی برای او مختل می شود. بنابراین بهتر است قانونگذار ازدواج زیر سن بلوغ را مطلقاً ممنوع و ازدواج زیر سن هیجده سال را نیز منوط به شرایط بپذیرد.

در حالتی هم که خود فرد و همسر او منعی برای ادامه تحصیل نداشته باشند، متأسفانه مدارس روزانه از پذیرش افراد متاهل خودداری و آن ها را به تحصیل در دوره های شبانه یا غیر حضوری سوق می دهند که عملاً نتیجه مورد نظر را نخواهد داشت.

## ه) زمینه ساز کودک آزاری عاطفی

ازدواج زودهنگام، علاوه بر آزارهای جسمی، بر روان کودک نیز تأثیر می گذارد، کودک از خانواده و همسالان خود دور می شود و نمی تواند متناسب با سن خود به امور بپردازد بلکه باید مانند بزرگسال رفتار نموده و به امور شوهرداری و فرزند پروری بپردازد، و این امر عواقب ناگواری بر روان کودک می گذارد.

آسیب هایی که در این دوره به روح و روان کودک وارد می گردد، آثار عمیقی از خود به جای می گذارد و در برخی موارد جبران آن ها حتی در بزرگسالی نیز ممکن نیست. (حیدری، ۱۳۹۳: ۵۳)

افرادی که در سنین کودکی ازدواج می کنند، پس از مدتی که در جمع هم سالان خود قرار بگیرند دچار ناامیدی می شوند و احساس می کنند با ازدواج، موقعیت های زندگی مجردی را از دست داده اند. ازدواج تحت شرایط خاص خانوادگی، موقعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی رخ می دهد و نمی توان سن خاصی را به آن پیشنهاد داد ولی اصل مهمی که در ازدواج باید مدنظر قرار گیرد این است که: افراد باید از نظر عاطفی، عقلی و جسمی شرایط ازدواج را داشته باشند. در زندگی خانوادگی طفل نیز مشکلاتی عدیده ای به وجود می آید زیرا این فرد مهارت های زندگی مشترک را فرا نگرفته و منجر به اختلافاتی در این زمینه نیز می شود.

## نتیجه گیری

آن چه از پژوهش انجام شده می توان نتیجه گرفت به اختصار عبارت از آن است که: برخی قوانین حقوقی به جای آنکه مصالح عالیۀ کودک را در نظر گرفته و زمینه را برای رفع خشونت (خشونت خانگی) برطرف نماید، باعث این خشونت شده و آینده کودک را با مخاطرات جدی روبه رو کرده است. از آن جمله ماده ۱۰۴۱، مصوب ۱۳۱۳ می باشد. در این ماده «نکاح انث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال ممنوع است. با وجود این در مواردی که مصالحی اقتضا کند (با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب دادگاه) استثناء معافیت از شرط سن اعطا می شود». این ماده در سال ۱۳۶۱ اگر چه بدین صورت اصلاح گردیده است: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است»، در تبصره ای اعلام می کند: «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه. همچنین در قانون حمایت از خانواده ماده ۵۰ (مصوب ۱۳۹۱) بیان می دارد: «هر گاه مردی بر خلاف ماده ۱۰۴۱ ازدواج کند به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم شده و هر گاه ازدواج مذکور به واقعه منتهی به نقص عضو یا مرض دائم زوجه منجر گردد، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه ۵ و اگر به واقعه منجر به فوت منجر شود، زوج علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه ۴ محکوم می شود.

باری، با وجود جرم انگاری در خصوص «ازدواج با کودک» باز هم خلأ قانونی در این خصوص رفع نگردیده، و در نهایت این ماده تخلف از موارد مندرج در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را جرم انگاری ننموده است و در نتیجه در غایت امر تأثیری ندارد زیرا ماده ۱۰۴۱ که - با شرایطی - جواز نکاح زودهنگام را مجاز می شمرد، پایه و اساس ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بوده و همان بحث اصلی بر جای خود باقی است که بایستی، جهت پیشگیری از پیامدهای منفی که در بحث بدان ها پرداخته شد، اساساً نکاح قبل از بلوغ را - به طور علی اطلاق - منتفی اعلام نمود.

## منابع

- ابولحسنی، سلامه؛ طه، فریده، ۱۳۹۶، خشونت خانگی (بررسی حقوقی جرم شناختی اسناد سازمان ملل)، چاپ اول، تهران: میزان.
- امیدی، جلیل، ۱۳۹۵، بحثی تطبیقی و انتقادی درباره ازدواج و ولایت بر تزویج، چاپ اول، تهران: میزان.
- اودانل، دان، بی تا، کتابچه تخصصی حمایت از کودک برای نمایندگان پارلمان ها، تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) و اتحادیه بین المجالس.
- پورعبدلله، کبری، ۱۳۹۵، قاعده مصلحت در مقررات خانواده، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

پینه‌رو، پائولو سرجیو، ۱۳۸۷، گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان، ترجمه علی رضا یار پرور، تهران: یونیسف.  
 حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۳، حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: میزان.  
 حیدری، علی، ۱۳۹۳، حقوق کیفری خویشاوندی پژوهشی فقهی حقوقی، چاپ اول، تهران: مجد.  
 صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله، ۱۳۹۰، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی ام، تهران: میزان.  
 طباطبایی حکیم، سید محسن، ۱۳۷۴، مستمسک العروة الوثقی، جلد ۱۴، قم: موسسه دار التفسیر.  
 عابدخراسانی، محمودرضا، ۱۳۸۹، درآمدی بر حقوق کودک، چاپ اول، تهران: میزان.  
 غدیری، ماهرو، جزوه ی درسی مقررات بین المللی خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۳.  
 فروتن، رضا، ۱۳۹۴، نهاد فرزندخواندگی در آینه جرم شناسی و سیاست جنایی، چاپ اول، تهران: مجد.  
 کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و هشتم، تهران: میزان.  
 مرادی فر، بهمن، ۱۳۸۹، تحولات حقوق خانواده بعد از انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: چاپ پیام.  
 مظفری، مهدی، ۱۳۹۲، حقوق جنین با تکیه بر سلامت جسمی و روانی، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.  
 مقدادی، محمدمهدی؛ جوادپور، مریم، تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی و ساز و کارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم شماره چهلیم، ۱۳۹۶.

## Critical review of factors or legal gaps underlying violence against children in the family (early marriage license)

Rezvan Piryaee

Master's student of Shahid Beheshti University and a  
basic lawyer of a court, Tehran, Iran

Hojatolah Ghmoniri<sup>1</sup>

Department of Persian Language and Literature,  
Borujard Branch, Islamic Azad University,  
Borujard, Iran

### Abstract

The upcoming research, with the title: "Investigation of the factors or legal loopholes underlying violence against children in the family", has sought to analyze, with descriptive-analytical method, one of the factors of this violence, which is: "early marriage license", which has been criticized. and by referring to the negative consequences that this issue can have on the child's physical and mental health, as well as its unfortunate consequences on the society, to force the legislator to reflect and review this "permission". According to Article 1041 of the Civil Code of Iran (approved in 1313): "Marriage for females before the age of 15 and for males before the age of 18 is prohibited. However, in cases where it is necessary (with the proposal of the public prosecutor and the approval of the court), the exception of exemption from the age condition is granted..." In 1361, this article was amended as a trial to the following description: "Marriage before puberty is prohibited", but in a note it states: "Marriage before puberty is valid with the permission of the guardian (guardian), on the condition that it is financially expedient against"! As can be seen, the above-mentioned note left the hand of the lawless householder (parents or guardian) free to commit violence against the child and gave him the opportunity to marry the child prematurely under the influence of factors such as: poverty and poverty, addiction, etc. and put his mental and possibly physical health at serious risk, and if this note is removed, the mentioned violence will be removed to a significant extent.

**Keywords:** Criticism, family protection law, domestic violence, child, early marriage license.